اذان ظهر ۱۲:۴۷ غروب آفتاب ۱۹:۴۸ اذان مغرب ۲۰:۰۸ اذان صبح فردا ۴:۰۷ طلوع آفتاب فردا ۵:۴۶
www.khorasannews.com email:bojnord@khorasannews.com

خراسان شمالی

روزنامه خراسان شمالی؛ گروه چهارم نشریات
روزنامه سیاسی،اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی خراسان شمالی
دوشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۰
۲۲ ذی الحجه ۱۴۴۲. شماره ۳۶۱۱

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: علی ولی‌زاده
دفترمرکزی: مشهد،بلوارشهیدصادقی(سازمان‌آب)

صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱
نمابر دبیرخانه: ۳۷۶۲۴۳۹۵-۰۵۱
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹ چاپ: شهرچاپ‌خراسان

آدرس: بجنورد،خیابان طالقانی غربی،خیابان صمدیه لباف، صمدیه لباف ۱۶، کوچه دوم، پلاک ۹
تلفن اشتراک: ۳۲۲۳۰۰۷۱
کدپستی: ۹۴۱۵۹۶۶۵۹۶
دفترمرکزی پذیرش آگهی: ۳۲۲۴۵۰۰۵

تحریریه: ۳۲۲۴۷۲۲۲-۳۲۲۲۲۲۱۱
نمابر: ۳۲۲۴۷۲۲۳
مسئول تحریریه: ۳۲۲۳۰۰۲۸
تلفن و نمابر سرپرست: ۳۲۲۳۰۰۱۴

جامعه

سریال دخالت در امور پزشکی

سلامت برخی شهروندان زیر تیغ سودجویان

خال برداری یا کلاهبرداری؟

تزیینی

حیدرزاده

این روزها برخی پا در کفش پزشکان می کنند و با دخالت های بی جا و حتی گاهی اوقات خطرناک، سلامت افراد را به خطر می اندازند. این افراد که تعدادشان در شبکه های اجتماعی کم نیست، مخاطبان را گیر می اندازند و با ترفندهای مختلف تلاش می کنند از اقدامات و توانایی خوب شان برای مشتریان بگویند و آن ها را با فریب و کلک به سمت خود بکشند.یکی از مواردی که چند وقتی است مورد توجه بعضی از شهروندان قرار گرفته، کارهای زیبایی پوست و موست اما برخی به جای این که به پزشک مراجعه کنند به افرادی مراجعه می کنند که مورد تایید متولیان بهداشتی و درمانی نیستند و نه مجوز فعالیت و نه اطلاعاتی در این زمینه دارند، بنابراین هر لحظه ممکن است با دخالت های خود در امور پزشکی مشکلات زیادی را برای آن ها ایجاد کنند.

در این میان اگرچه بعضی از آرایشگران به ارائه خدمات پوستی رو آورده اند و احتمال دارد در بازرسی های مرکز بهداشت گیر بیفتند و مورد بازخواست قرار بگیرند یا جریمه شوند اما برخی افراد مکان خاصی ندارند، به شکل سیار فعالیت می کنند و با رفتن به منزل افراد، اقداماتی از جمله برداشتن خال و زگیل را انجام می دهند و حتی دارو یا کرم تجویز می کنند. تنها نشانه تخصص و تبحر آن ها، تعداد افرادی است که در گروهی در شبکه اجتماعی آن ها را دنبال می کنند و همچنین صحبت های کسانی است که از عملکردشان رضایت داشته و در گروه آن را مطرح کرده اند. البته باید این را هم در نظر داشت که آیا این تعریف و تمجید واقعی است یا از اقوام و دوستان خانم یا آقای به اصطلاح دکتر هستند که برخی به صحبت های آن ها چشم دوخته اند و پیگیر دریافت نوبت هستند تا خود را به تیغ جراحی او بسپارند.

مشتریان احتمالاً قلابی!

وارد یکی از گروه های زیبایی پوست می شوم که تعداد زیادی عضو دارد، برخی از آن ها در گروه به شکل تکراری، پیام هایی مبنی بر حاذق بودن خانم دکتر می گذارند و هر از گاهی یک نفر می آید و درباره این که چطور خال های گوشتی او را برداشته یا منافذ پوستش با تجویز دکتر بسته شده است، توضیح می دهد. دیگری هم از این که لکه های پوست او با دستورها و اقدامات خانم دکتر از بین رفته و او را از هزینه های مضاعف پزشکان نجات داده است، اظهار خرسندی و دیگران را برای استفاده از تجربه های او تشویق می کند.

از لحن صحبت ها مشخص است که برخی مشتریان قلابی هستند و ممکن است از خانواده یا دوستان فرد مثلا دکتر باشند که وارد عمل می شوند و در این گروهی که در فضای مجازی تشکیل شده است به به و چه چه و از دکتر برای ارائه این خدمات ارزنده و البته ارزان تشکر و او را دعا می کنند.

حتی یکی از مشتریان، پا را فراتر می گذارد و در گروه می نویسد: «۲ خال روی صورتم داشتم که یکی از آن ها را متخصص پوست با لیزر برداشت و کرم هایی را که تجویز کرد اما جای آن با گذشت یک سال باقی مانده است و وقتی با این گروه و خانم دکتر آشنا شدم و کارهایش را دیدم خال دیگرم را او برداشت که هزینه بسیار کمتری را متقبل شدم و اثری از جای خال روی صورتم نیست.»

> برداشتن خال باید در محیطی استریل و با رعایت نکات بهداشتی انجام شود و افرادی که در مکان هایی مانند خانه یا آرایشگاه به این کار دست می زنند با جان شان بازی می کنند

در این زمان خانم مثلاً دکتر وارد عمل می شود و پیاز داغ ماجرا را زیاد می کند و حالا نوبت بمباران سوالات و راهنمایی های اوست که گروه را فعال می کند و برخی اعضا از او می خواهند هر چه زودتر برای شان وقت بگذارد.

خدمات در خانه

خانم به اصطلاح دکتر از مشتریان که از آن ها به عنوان دوست گرامی یاد می کند، می خواهد آدرس و شرایط پوست و خدماتی را که می خواهند به شکل خصوصی برایش بفرستند تا او همه را در نوبت قرار دهد و با تعیین وقت قبلی به منزل شان مراجعه کند و خدمات زیبایی را ارائه دهد.

من در قالب مشتری، وارد معامله با خانم دکتر می شوم و از او هزینه برداشتن هر خال را سوال می کنم. اما او از من می خواهد آدرس منزلم را بفرستم و بعد از ویزیت، انجام پاک سازی پوست و برداشتن خال مبلغ مشخص می شود. در این شرایط کرونایی که هر روز هشدارها برای رعایت پروتکل های بهداشتی شدت بیشتری می یابد و همچنان شاهد افزایش مبتلایان و قربانیان کرونایی هستیم، برخی گویا چشمان شان را بر این موارد بسته اند و در پی کم هزینه کردن برای درمان پوست شان یا زیبایی هستند بنابراین فریب افرادی را می خورند که مانند قارچ در شبکه های اجتماعی رشد کرده اند و دنبال طعمه های خود هستند.

کرم دست ساز

در یکی دیگر از گروه هایی که در یک شبکه اجتماعی تشکیل شده و تعداد اعضای آن از گروه یاد شده کمتر نیست، علاوه بر این که آقای مثلاً دکتر، خال ها و زگیل ها را به گفته خودش بدون درد و خون ریزی برمی دارد، کرم دست سازی را که توسط او با وسواس و دقت تمام تهیه می شود، نیز تبلیغ و به قول مدیر این گروه، با نسخه های خارجی برابری می کند.

این جا آقای دکتر خیلی اقدام خاصی نمی کند و مدیر گروه، هر چند ساعت عکس هایی را از اقدامات او روی پوست بیماران منتشر می کند و با آب و تاب درباره آن ها توضیح می دهد. البته گهگاهی هم آقای مثلاً دکتر وارد عرصه می شود و خود پاسخ سوالات را می دهد.

کرم های دست سازی که او تهیه می کند، بعد از این که خال مشتری برداشته می شود باید استفاده شود تا دیگر جای خالی آن دیده نشود اما چطور می توان به موادی که برای تهیه این کرم استفاده شده است، اعتماد کرد؟

در این گروه هم هستند افرادی که از کرم هایی که برای شان تجویز شده است و استفاده کرده اند، رضایت دارند و بقیه را برای مصرف تشویق می کنند.

گویا این افراد، روی دست برخی آرایشگرانی زده اند که از فضای آرایشگاه و اعتماد مشتریان خود سوء استفاده و در کارهای پزشکی مداخله می کنند و اگر خودشان در این کار وارد نشوند آدرس افرادی را که در این زمینه فعالیت می کنند، می دهند.

در همین خصوص بانوی جوانی که توسط دوست آرایشگرش به گروهی در شبکه اجتماعی معرفی شده است، می گوید: دوستم آن قدر تعریف کرد که خام شدم و کِرم دست سازی را از او که تحصیلات پزشکی نداشت، خریدم تا لک های صورتم از بین برود.

او ادامه می دهد: یک روز بعد از مصرف کرم دست ساز گذشت اما پوستم بسیار ملتهب و قرمز شد و برای برطرف کردن آن به پزشک متخصص مراجعه کردم با این حال هنوز به طور کامل بهبود نیافته است و باید برای آن بسیار هزینه کنم در حالی که برای برطرف شدن آن خیلی مطمئن نیستم.

محیط های غیر استریل

از سوی دیگر یک پزشک عمومی با بیان این که هر کاری را باید به کاردان سپرد، به افزایش مراجعه به افراد غیر متخصص در حوزه پوست و مو اشاره و به گفته او گاهی صدمات جبران ناپذیری را وارد می کند. او که به ذکر خود در این گزارش تمایلی ندارد، اظهارمی کند: برداشتن خال باید در محیطی استریل و با رعایت نکات بهداشتی انجام شود و افرادی که در مکان هایی مانند خانه یا آرایشگاه به این کار دست می زنند با جان شان بازی می کنند.

او ادامه می دهد: خال باید در مراکز بهداشتی و درمانی برداشته و به آزمایشگاه فرستاده و از نظر پاتالوژی بررسی شود زیرا ممکن است برخی از این خال ها سرطانی باشد.

به گفته او، برداشتن خال به شکل غیراصولی توسط افراد غیر متخصص علاوه بر این که ممکن است، عوارضی را برای بیمار ایجاد کند امکان بررسی خال در آزمایشگاه را از بین می برد و تمام این موارد به ضرر بیمار است.

با این وجود کافی است، سری به گروه هایی که به این منظور در فضای مجازی ایجاد شده است، بزنیم تا با افرادی آشنا شویم که می خواهند مردم را با اقدامات و مداخله های خود زیبا کنند.

برای آن ها کاری ندارد، با آموزش ابتدایی که معلوم نیست از کجا دریافت کرده اند، تعدادی ابزار اولیه و شاید کِرم های دست سازی که موادشان بی سر و ته است، می توانند به قول خودشان طبابت کنند و در راه خدمات زیبایی پوست قدم بگذارند و شاید بر اثر این اقدام نابجا پوست مشتری را هم بکنند!

در راهروی دادگاه خانواده

همراهی مداوم خانواده زن، داماد را راهی دادگاه خانواده کرد

صدیقی- سماجت خانواده زن در همراهی مداوم زوج جوان کارشان را به دادگاه خانواده کشاند. مرد جوان وقتی دید همسرش به خاطر وابستگی زیاد به پدر و مادرش مدام با آن ها به مهمانی و مسافرت می رود و تذکر وی برای تجدید نظر همسرش جواب نمی دهد، راهی دادگاه خانواده شد تا مشکل زناشویی شان را حل کند.

مرد جوان درباره ماجرای زندگی به بن بست خورده اش می گوید: با وجود این که والدین همسرم فرزندان دیگری هم دارند اما همسرم به پدر و مادرش وابسته است و هر جا می رفتیم حتما آن ها هم باید حضور می یافتند. من مشکلی با پدر و مادر همسرم نداشتم اما بعضی از مواقع که قصد رفتن به سفر یا شرکت در مهمانی دوستانم را داشتیم خانواده همسرم باید ما را همراهی می کردند که همین امر باعث بروز مشکلاتی شده بود.

دیگران، خانواده همسرم را سر جهاز خطاب می کردند چون هر جا می رفتیم حتما آن ها را باید می بردیم. سر این موضوع هر بار که مسافرتی در کار بود، دعوای من و همسرم بالا می گرفت و از من انکار و از همسرم اصرار که باید پدر و مادرش ما را همراهی کنند، در غیر این صورت مسافرت کنسل می شد. هر چقدر با همسرم صحبت می کردم که دست از رفتار بچگانه اش بردارد اما انگار مرغش یک پا داشت.

حتی چند مرتبه با پدر همسرم کارمان به بحث و قهر کشیده شد اما فقط مدتی این کار جواب می داد و دوباره روز از نو و روزی از نو. با یکی از نزدیکان خانواده همسرم صحبت کردم تا با پدر و مادر همسرم صحبت کند و بیش از آن در زندگی ما دخالت و مشکل درست نکنند اما بی فایده بود. خواهر و برادرهای همسرم هر بار که به مسافرت می رفتند پدر ومادرشان را در جریان نمی گذاشتند و آن ها گلایه نمی کردند اما به محض این که ما تصمیم می گرفتیم مسافرت برویم، پدر و مادر همسرم خودشان را آماده می کردند تا با ما همراه شوند و اگر اطلاع نمی دادیم گلایه و تهدید مدتی چاشنی زندگی ما می شد. شاید برای خیلی ها این اتفاقات پیش پا افتاده باشد و اکثر زوج ها برای مسائل دیگر مانند اعتیاد و بیکاری با هم اختلاف دارند اما شرایط ما با بقیه فرق دارد و اختلاف زناشویی ما در بین فامیل بیشتر جنبه طنز داشت. بعد از گذشت سال ها از زندگی مشترک مان وقتی دیدم دیگر بحث و جدل با همسرم و ارسال پیغام برای خانواده اش کارساز نیست خسته شدم وتصمیم گرفتم به مرکز مشاوره دادگاه خانواده بیایم تا شاید با راهنمایی مشاوران وصحبت آن ها با همسرم این مشکل حل شود و اگر نتیجه نداد تصمیم دیگری بگیرم.

ماجرای مردی که هم اشک دختران مردم را درآورد و هم اشک دختر خودش را

شیطنت‌های جوانی یا آلبالو؟

صدیقی

به بهانه ازدواج از دختران دم بخت و زنان جوان کلاهبرداری و با احساسات شان بازی می کرد. نقاش ساختمان بود اما در واقع دختران جوان را رنگ و حساب شان را خالی می کرد. به خاطر کمبود محبت مدام دنبال کسب محبت از دیگران بود و همین امر و البته طمع اش او را وارد بازی خطرناکی کرد. مرد جوان می گوید: انگار تنها دارایی و سلاح شکارم در این دنیای خاکی خوشتیپی ام بود که در کنار چرب زبانی می توانستم از دختران دم بخت کلاهبرداری کنم.

در ادامه گفت و گوی خبرنگار ما را با مرد کلاهبردار ۲۹ ساله زندانی می خوانید.

به چه جرمی زندانی شدی؟

به جرم کلاهبرداری و فریب دختران و زنان جوان دستگیر و زندانی شدم.

آیا سابقه کیفری و اعتیاد داری؟

بله، ۲ بار دستگیر شدم. یک مرتبه به خاطر جعل عنوان مامور و یک بار هم به دلیل خیانت در امانت زندانی شدم ولی اعتیاد نداشتم.

دارای همسر و فرزند هستی؟

بله، متاهل هستم و یک دختر دارم. خیلی نگران آینده دخترم هستم و با طمع و ندانم کاری چشمانش را بارانی کردم.

شغل ات چه بود و چقدر سواد داری؟

نقاش ساختمان بودم و تا مقطع دیپلم درس خواندم.

رابطه ات با پدر و مادرت چطور بود؟

رابطه ام با پدر و مادرم بد نبود فقط از روزگار شاکی بودم. وضعیت مالی خوبی نداشتیم، مستاجر بودیم و پدر مدام به فامیل و دوستانش بدهکار بود. از بچگی حسرت خیلی از چیزها به دلم ماند و به نوعی عقده ای شده بودم. حتی زمان ازدواج موتور سیکلت ام را فروختم و به خواستگاری رفتم که سر این ماجرا خانواده همسرم خیلی من را دست انداختند و مسخره کردند اما کم نیاوردم، توجه دخترشان را به هر زحمتی که بود جلب کردم و ازدواج کردیم. البته بیشتر به خاطر خوشتیپی ام جواب مثبت گرفتم.

انگار تنها دارای ام تیپ و قیافه ام بود.

از شغل نقاشی ساختمان ناراضی بودی که رها کردی؟

کار نقاشی کم بود و از طرفی درآمدش من را راضی نمی کرد. دوست داشتم در کمترین زمان به چیزی که می خواهم برسم و باید دنبال یک میان بر می رفتم که پولش من را به آرزوهای تلنبار شده ام، برساند.

چطور دست به کلاهبرداری از دختران دم بخت می زدی؟

همسرم در ابتدای زندگی مشترک مان از طریق کار در یک شرکت و همچنین کمک پدرش یک خودروی لوکس خرید البته آن موقع خودروی خارجی ارزان بود. بعد از گذشت سال ها با بالا رفتن قیمت ها خودروی همسرم لاکچری شد. وقتی دیدم کار نقاشی درآمدش کفاف پوشک و لباس دخترم و اجاره خانه را نمی دهد، فکر شیطانی به سرم زد. البته سرنخ را از یک فیلم داستانی گرفتم. لباس های شیک می پوشیدم، از آن جایی که خوش تیپ و کمی چرب زبان بودم وقتی سوار خودروی گران قیمت همسرم می شدم، مثل افراد پولدار و مرفه رفتار می کردم. داخل خیابان‌ها با خودروی لوکس می گشتم و طعمه های خودم را که دختران دم بخت و زنان جوان بودند، انتخاب و با ترفندهای خاصی آن ها را سوار می کردم و در یک فرصت مناسب فریب شان می دادم و کلاه شان را برمی داشتم.

روش کلاهبرداریت از دختران دم بخت و زنان جوان چگونه بود؟

بعد از این که سوار خودرویم می شدند، در بین راه چند عکس از خودم در مکان های مذهبی و برگزاری مراسم عزاداری نشان می دادم که همگی به نوعی ساختگی بود و می گفتم به دختران کم بضاعت کمک می کنم. به بهانه ازدواج از آن ها می خواستم اگر واقعا من را فقط به خاطر خودم نه پولم می خواهند یک چیز ارزشمندشان را به من امانت بدهند تا روز بعد به آن ها پس بدهم. بعضی از دخترها سریع دستبند طلا یا پول شان را به من می دادند تا علاقه شان را ثابت کنند.

به بعضی ها هم که می دیدم وضع مالی شان مثل خودم بد است وعده وام چند برابری در قبال مبلغی که در اختیارم می گذارند، می دادم البته از وامش فقط رسید واریز جعلی به آن ها می رسید و پول شان بر باد می رفت. از تعدادی از دختران به بهانه این که پدرم طلاساز است و می خواهم از روی دستبند طلای شان بسازم، دستبندشان را می گرفتم و دیگر به تلفن های شان جواب نمی دادم.

چطور دختران جوان به تو اعتماد می کردند؟

البته همه اعتماد نمی کردند و در تله من نمی افتادند. برخی دخترها اول آدرس خانه لاکچری که ادعا می کردم، می پرسیدند و حتی بعضی ها کارت خودرویم را می خواستند ببینند تا مطمئن شوند به نام خودم است و اجاره و امانت نیست. وقتی می دیدم نمی توانم کلاه شان را بردارم، به بهانه یک کار فوری که برایم پیش آمده از خودرو پیاده شان می کردم. البته بیشتر دخترهای دم بخت و زنان جوانی را انتخاب می کردم که سن شان از من بیشتر بود و آن ها می خواستند خیلی زود سروسامان بگیرند اما خبر نداشتند سامانی در کار نیست و فقط جیب شان خالی خواهد شد.

پول های کلاهبرداری را چه کار می کردی؟

چون همسرم به من شک می کرد، برای همین یک حساب به نام مادر پیرم که بی سواد بود، باز کردم و پول ها را به آن حساب واریز و برداشت می کردم. مقداری از پول ها را خرج زندگی خودم می کردم و مقداری را به پدر پیرم که مستاجر بود، می دادم و بقیه را در حساب مادرم نگه می داشتم تا لباس های شیک بخرم.

چطور دستگیر شدی؟

بعد از این که بیش از ۳۰ مورد کلاهبرداری کردم، همه آن ها از من شاکی شده بودند و پلیس در تعقیب ام بود تا این که روزی در یک خیابان حین کلاهبرداری از یک دختر جوان که کارمان به زد و خورد کشیده شد، شناسایی و دستگیر شدم.

بابت بازی با احساسات دختران عذاب وجدان نمی گرفتی؟

اصلا به این چیزها فکر نمی کردم چون انگار مریض شده بودم و آزار و کلاهبرداری از زنان آرامم می کرد. راستش دچار کمبود محبت شده بودم و از این که مدام دختران و زنان جوان به خیال ازدواج به من زنگ می زدند و حالم را جویا می شدند، کیف می کردم. کاری که اصلا همسرم نمی کرد و به جای نگران شدن و پرسیدن احوالم مدام به من گیر می داد و غر می زد، اصلا محبت کردن بلد نبود. کلاهبرداری یک تاوانی دارد که الان باید پشت میله ها پس بدهم. بیشتر نگران دختر ۳ ساله ام هستم. وقتی دستبند را در دستانم دید از ترس صورتش بارانی شد و دچار عذاب وجدان شدم.